

نقد هیچ‌اندیشی

۱۳۹۹

از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ما هیچ‌انگاری و هیچ‌اندیشی است، اکثرمان بر این باوریم که در ایران ما در همه زمان‌ها همه مردم و مسئولین چه در گذشته و چه در حال عاقل و باطل بوده‌اند. هیچ‌کسی سنگی روی سنگ نگذاشته است. اگر هم سنگی روی سنگ بند بوده از راه‌آمده‌گان آن را خراب کرده‌اند. چون فرض رایج‌مان بر این است که همه (البته به جز خودمان) اگر غرض‌ورز و خرابکار نباشند، در بهترین حالت مهمل و بی‌عار یا نادان هستند.

به نظر جناب آقای محمدباقر تاج‌الدین نمونه خوبی از این هیچ‌اندیشان باشد. هیچ‌سند، آمار یا پژوهشی که حکایت از نفس‌افتادگی و مرگ دانشگاه‌ها بکند ارائه نمی‌دهد. انگار مقاله‌های علمی و کتاب‌های دانشگاهی را خوانده و فهمیده و آن‌ها را با مقاله‌ها و کتاب‌های علمی دانشگاهی‌هایی که مرغ‌شان غاز است مقایسه کرده و مال ایرانی‌ها را ناکارآمد و ناکاربردی یا بی‌مغز تشخیص داده است.

آقای تاج‌الدین بر این باور است که دانشگاه‌ها توانایی حل مسائل کشور را ندارند و از بدنه دولت منفصل‌اند. این که اکثریت قریب به اتفاق گردانندگان و کارشناسان ریز و درشت صنایع و خدمات و بانک‌ها و بهداشت و درمان و آموزش و ... دست‌پرورده‌های همین دانشگاه‌ها هستند از نظر ایشان هیچ‌ارزشی ندارد.

این که در دهه ۶۰ مردم تشویق شدند فرزند بیاورند جمعیت ۳۵ میلیونی به ۷۰ میلیون رسید و در دهه ۸۰ متولدین ۶۰ متقاضی آموزش دانشگاهی بودند و وزارت علوم و سنجش خصوصی به این نیاز پاسخ دادند و تعداد مراکز آموزش عالی زیاد شد از نظر آقای تاج‌الدین گناه نابخشودنی که هیچ، نشانه‌ای از مرگ دانشگاه‌هاست.

باید اذعان کنم خودم هم یکی از خیل بزرگ هیچ‌اندیشان هستم. ولی با کمی تفاوت در گفته‌ها و اندیشه‌ها و نوشته‌ها و نانوخته‌های هیچ‌اندیشان هیچ نمی‌بینم. بیراهه می‌روند و گرد یأس و ناامیدی در جامعه به ویژه نسل جوان می‌پراکنند. من بر این باورم این کشور عزیز ما هر کمبودی داشته باشد و گردانندگان رده بالای آن هر عیب و علتی داشته باشند، اکثریت قریب به اتفاق مردم متوسط‌الحال‌مان سرشان به کارشان است. چرخ زندگی را هر روز بهتر از روز پیش می‌چرخانند و گامی به پیش برمی‌دارند. دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی نیز از این قاعده به کنار نیستند. زنده و بانشاط‌اند. هفته پیش برندگان جایزه ابوریحان بیرونی برای دانشمندان جوان، پژوهش‌های خود را عرضه می‌کردند. برنده فیزیک‌دان از دانشگاه شریف بود. در پایان سخن‌اش گفت «هم اکنون گروه ما از نظر تعداد و کیفیت پژوهش در سطح جهانی شناخته شده است. بعید نیست در آینده‌ای نزدیک مکتبی برای خود داشته باشیم».

از غرور و شجاعت و صلابت سخن‌اش که از ما بهتران نمی‌ترسد و مثل آقای تاج‌الدین نمی‌اندیشد حظ کردم.

یوسف ثبوتی